

مکتب وُرش در قرائت قرآن کریم*

دکتر رضا فرشچیان
(استادیار دانشگاه شهید با هنر کرمان)
farshchiadeh@mail.uk.ac.ir

دکتر رضا رستمی زاده
(استادیار دانشگاه شهید با هنر کرمان)
rostamizadeh@mail.uk.ac.ir

چکیده: گروهی از مسلمانان - پس از دورهٔ صحابه و تابعین - در فن قرائت قرآن و کارایی این مهارت از شهرت چشمگیری برخوردار شدند تا آن حد که به عنوان افرادی متخصص و ماهر و صاحب نظر در امر قرائت مورد اعتنا قرار گرفتند، چرا که تمام عمر خود را صرف بحث و بررسی مسئله قرائت کردند. از میان این گروه هفت نفر با عنوان «قراء سبعة» دارای معروفیت و حسن شهرت خاصی شدند. یکی از اینان نافع مدنی است که افراد زیادی قرائت وی را نقل کرده‌اند از میان آنها ورش و قالون شهرت بیشتری دارند.

از آنجا که دانشمندان علم قرائت، وُرش را در قرائت حجت و موثق معرفی کرده‌اند و قرائت او در غرب دنیای اسلام مورد اهتمام بوده و هست. این مقاله پیگیر آن است که اصول قرائت وی را دریابد و گزینش‌های ورش را در مسئله قرائت ارائه دهد.

ویژگی مشهود قرائت ورش، قرائت به تحقیق، تأکید بر اماله و سپس مدّ طولیل است، همان‌گونه که تخفیف همزه نیز در قرائت او به وضوح دیده می‌شود، بنابراین آنچه قرائت او را از قرائت رایج دنیای اسلام متمایز می‌کند، اهتمام بیشتر به برخی مسائل تجویدی است و نه آنچه به تغییر معنوی و یا حتی لفظی آیه‌ها و واژگان قرآن کریم منتهی شود، و به جرئت

می‌توان گفت همین ویژگی‌هاست که قرائت او را مورد اهتمام جدی دانشمندان علم قرائت قرار داده است.

کلید واژه‌ها: ورش، مقراء ورش، علم قرائت، اختلاف قرائت، تجوید

مقدمه

عثمان بن سعید مصری (۱۱۰-۱۹۷ ق، مصر) از راویان مشهور قرائت نافع است. ورش ریاست تعلیم قرائت را در زمان خود به عهده داشت و شخصاً صاحب سلیقه و گزینش‌هایی منحصر به خود در قرائت قرآن بوده است. دانشمندان علم قرائت، وی را از ثقات و راویان مورد اعتماد در قرائت تا سرحد «حجت» معرفی کرده‌اند.

از آنجا که مطالعه در قرائت و کارایی آن بدون آگاهی به قراء سبعة و راویان آنان امکان‌پذیر نیست، مطالعه در منهج راویان نیز امری ضروری می‌نماید. در مطالعه مکتب ورش در قرائت طرح سؤالات ذیل و پاسخ به آنها اساس کار قرار گرفته است:

- ورش چگونه شخصیتی بوده و استادان و شاگردانش چه کسانی بوده‌اند و از چه کسانی در علم قرائت، روایت کرده است؟

- اصول مهم قرائت ورش چیست؟ چه تفاوت‌های مهم و اساسی بین قرائت او و قرائت عاصم وجود دارد؟

- آیا ورش گزینشی متفاوت از استاد خویش، نافع، ارائه کرده است؟

- آیا بین قرائت ورش و قالون - دیگر راوی نافع - اختلاف دیده می‌شود؟

۱. شخصیت و ورش

ابوسعید^۱ عثمان بن سعید^۲ مصری ملقب به ورش^۳ از قراء و ادیبان بنام، در سال ۱۱۰ یا

۱. ابوالقاسم و ابوعمر، نیز گفته شده (ابن الجزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۲).

۲. سعید بن عبدالله و یا سعید بن عدی. جهت تفصیل نسبت نک همان: ج ۱، ۵۰۳؛ ذهبی ۱۴۱۰: ج ۹، ۲۹۵.

۳. ابن الجزری گوید که نافع او را ورشان نامید و آنگاه مخفف و به ورش تبدیل شد (همان: ج ۱، ۵۰۲) ورشان را به فارسی مرغ الهی گویند که همان کبوتر صحرايي است، قمری، کبوتر کوهی، کبوتر دشتی نیز گفته شده است و ورش طعمی است که از شیر سازند و فاخته و قمری نیز گفته شده. نک. لغت‌نامه دهخدا، زیر عنوان «ورشان» و «ورش».

۱۱۱ ق در مصر دیده به جهان گشود و به سال ۱۹۷ ق در همان جا از دنیا برفت.^۱ اصل او از قیروان، شهری در تونس^۲ است (زرکلی ۱۹۹۲: ج ۴، ۲۰۵؛ مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۸۸). ابن جزری او را چنین ستوده است: وی بزرگ قاریان اهل تحقیق و پیشگام قراء برجسته است.^۳ ریاست تعلیم و قرائت در زمان ورش به او رسید (ابن الجزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۲). ابو سعید از صوتی خوش، قامتی کوتاه، صورتی سرخ و سپید و اندامی نزدیک به چاقی برخوردار بوده و استادش نافع لقب ورش را به خاطر سپید رویی اش بر وی نهاد. و گفته شده که هنگام قرائتش بسیاری از شنوندگان از هوش می‌رفته‌اند (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۸۸). او علاوه بر قرائت، در علوم عربی و تجوید مهارت داشته است (ذهبی ۱۴۱۰: ج ۹، ۲۹۵). ابن جزری می‌نویسد:

با مهارتی که در عربی و معرفت تجوید و علم قرائت قرآن داشت کسی در این باب با وی نزاع ننموده است (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۱۳۳؛ زنجانی [بی‌تا]: ۱۰۵).

ورش در حدود چهل و پنج سالگی به مدینه مسافرت می‌کند و در آن شهر به سال ۱۵۵ ق، چند ختم قرآن بر نافع^۴، از قراء سبعه، عرضه می‌دارد. ابن جزری به حکایت معروفی در زمینه راه یافتن ورش به محضر استاد اشاره می‌کند. این جریان به تفصیل در برخی کتب قرائت ذکر شده است. عثمان بن سعید در مدت یک ماه چهار ختم قرآن بر

۱. ابن الجزری گوید قبر او را در «القرافة الصغری» در مصر زیارت کرده است، اگرچه به این انتساب به دیده شک می‌نگرد (۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳). القرافة الصغری مقبره اهل مصر است: نک. حموی، ۱۳۹۹: ج ۴، ۳۱۶.
۲. قیزوان در ۶۷۰ میلادی بنا شده. پایتخت آغانیه و فاطمیون بوده است. مرکزی تجاری، زراعی و سیاحتی است، و ازهری آن را معرّب کاروان فارسی دانسته است. (حموی ۱۳۹۹: ج ۴، ۴۲۰؛ معلوف ۱۹۶۸: ج ۲، ۵۵۹). در قاموس کتاب مقدس از این شهر چنین یاد شده است: قیروان یا قیرینی شهری در ۲۲۴ کیلومتری شرق بنغازی می‌باشد، این شهر پایتخت «کیرنیکا» بوده است و اینک «شحات» خوانده می‌شود و پیش‌تر کورینیا نامیده می‌شده است و از مراکز تمدن به شمار می‌آمده است (۷۵۲). بنابراین بعید است که نظر ازهری مبنی بر فارسی بودن واژه مقرون به صحت باشد.
۳. شیخ القراء المحققین و امام اهل الاداء المرتلین.
۴. ابو رویم، نافع بن عبدالرحمن بن ابی نعیم (حدود ۱۶۹-۷۰ ق)، پیشوای مردم مدینه در قرائت و ریاست تعلیم قرآن به او منتهی شده است. مردم پس از تابعین به او روی آورده، نافع نزد هفتاد تن از تابعین قرآن را قرائت نموده و زیاده از این تعداد را تعلیم قرآن داده است. مالک بن انس قرائت او را سنت دانسته است و ابن حنبل قرائت مردم مدینه را محبوب‌ترین قرائات می‌داند، مکی بن ابی طالب قرائت او را صحیح‌ترین قرائات از جهت سند می‌داند. نافع در اصل اصفهانی است و صاحب التمهید از این نسبت، تا حدی تشیع او را استنباط نموده است. وی و ابن کثیر به الحرمیان معروفند (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۸۰، ۸۲، ۱۳۰؛ زرکلی ۱۹۹۲: ج ۸، ۵؛ زنجانی [بی‌تا]: ۱۰۴؛ معرفت ۱۳۶۶: ج ۲، ۲۴۴).

نافع عرضه می‌دارد و از نافع روایت است که قبل از خارج شدنش از مدینه دو ختم قرآن را بر او قرائت کردم. او سپس به مصر مراجعت نمود و ریاست تعلیم قرآن در آن زمان به او منتهی گردید (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳؛ محیسن ۱۴۱۲: ۶۰۶).

ورشان یا ورش لقبی است از سوی استاد، و عثمان بن سعید آن را بسیار دوست داشته و بیان می‌داشت که استادم نافع مرا به این نامیده است (ذهبی ۱۴۱۰: ج ۹، ۲۹۵؛ ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳).

ذهبی، ورش را در طبقه پنجم از علماء قرائت ذکر کرده است و او را ثقه و در قرائت حجت می‌داند (ذهبی ۱۴۱۰: ج ۹، ۲۹۵). ابن جزری نیز همانند ذهبی از او یاد کرده و با عنوان «شیخ القراء المحققین و امام اهل الاداء المرتلین» از او سخن می‌گوید (همو: ج ۱، ۵۰۲؛ خوبی ۱۴۰۱: ج ۱، ۱۴۰).

سمعانی او را از قراء معروف که مشهور به قرائتش است می‌داند^۱ (۱۹۹۲: ج ۵، ۵۹۱). از کلام سایر نویسندگان نیز به بزرگی او در قرائت قرآن پی می‌بریم (محیسن ۱۴۱۲: ۶۰۸؛ زرکلی ۱۹۹۲: ج ۴، ۲۰۵).

سیوطی آورده است که قرائات در سرزمین‌ها منتشر و پراکنده و از هر قاری دو راوی مشهور شدند. او راویان نافع را قالون^۲ و ورش معرفی می‌نماید (سیوطی ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۳۰). قرائت ورش در طول تاریخ مورد توجه قاریان قرار گرفته و هم‌اکنون نیز در کشورهای مسلمان آفریقا بدان توجه می‌شود و قرآن‌هایی چاپ شده است که در برگیرنده اصول قرائت وی است. (محیسن ۱۴۱۲: ۶۰۸).

ورش، نه تنها از نافع، بلکه به واسطه برخی دیگر از قراء سبعة نیز روایت می‌کند که بنا بر نقل هدلی در کامل بدین ترتیب است: از عاصم به واسطه حفص، از ابن عامر به واسطه عبدالله بن عامر کزیزی و اسما عیل القسط و عباس بن الولید، از ابو عمرو به واسطه عبدالوارث، از حمزه به واسطه حمزة بن قاسم الاحول. ابن جزری در صحت این

۱. سمعانی آورد که ورشی نسبت به اوست و ابو عبدالله محمد بن احمد المقرئ الورشی المغربی را به عنوان نمونه ذکر می‌کند (۱۴۰۸: ج ۵، ۵۹۱).

۲. ابوموسی عیسی بن مینا (۱۲۰-۲۲۰ ق) معروف به قالون، از قراء معروف، مولد و وفات او در مدینه واقع شده است، در زمانش ریاست در علوم عربی و قرائت حجاز به او منتهی گشته. قالون گوشه ناشنوا داشته که با مشاهده لب‌های قاری، قرائت او را تشخیص می‌داده است. این لقب به رومی «نیک» معنا می‌دهد و نافع وی را به آن ملقب ساخته بود. گفته‌اند که قالون رییب نافع بوده است (زرکلی ۱۹۹۲: ج ۵، ۱۱۰؛ خوبی ۱۴۰۱: ۱۳۹؛ زنجانی [بی‌تا] ۱۰۵).

سخن تردید کرده و آن را صحیح نمی‌داند (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۲).
گروهی بسیار، قرآن را بر ورش عرضه نموده‌اند و از شاگردان وی محسوب می‌شوند، از جمله احمد بن صالح الحافظ (م ۲۴۸ ق)، ابو سلیمان مصری داود بن ابی طیبة، ابو ربیع سلیمان بن داود مهری (معروف به ابن اخی رشدینی)، عامر بن سعید ابو اشعث جرسی، عبدالصمد بن عبدالرحمن بن قاسم عتقی، عمرو بن بشار، محمد بن عبدالله بن یزید مکی، یوسف ابو یعقوب الازرق، یونس بن عبدالاعلی و ابو مسعود الاسود اللون (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳؛ ابن ماکولا [بی‌تا]: ج ۷، ۳۹۲، ذهبی ۱۴۱۰: ج ۹، ۲۹۶؛ همو ۱۴۱۰: ج ۱۶، ۱۶۰، ج ۱۹، ۱۵۹؛ ابن خلکان ۱۹۷۷: ج ۷، ۲۵۰؛ محیسن ۱۴۱۲: ۶۰۸).

در این بین، دو طریق ازرق و اصفهانی، از روایت ورش از قرائت نافع، مورد اهتمام جدی دانشمندان قرائت قرار گرفته است (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۷۲؛ دمیاطی ۱۴۱۹: ج ۱، ۹). نخست طریق یوسف بن عمرو، ابو یعقوب مصری معروف به ازرق (م حدود ۲۴۰ ق) برای مدتی طولانی ملازم و همراه ورش بوده است و به نیکویی قرائت را از وی فرا گرفته است. او در مصر جانشین ورش در اقرآء بوده است (ذهبی ۱۴۱۰: ج ۱۷، ۴۲۱؛ همو ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۸۱). و طریق محمد بن عبدالرحیم مشهور به اصفهانی (م ۲۹۶ ق). دانی او را پیشوای زمان خویش در قرائت نافع به روایت ورش دانسته است. او بر گروهی از شاگردان ورش از جمله ابو اشعث، قرآن را تلاوت کرده است و از یونس بن عبدالاعلی، قرائت ورش را فرا گرفته است (ذهبی ۱۴۱۰: ج ۱۴، ۸۰).

ابن جزری در غایة‌النهاية، آن هنگام که شرح حال اصفهانی را می‌نویسد، تفاوت طریق او از طریق ازرق را در عدم ترقیق راء و تغلیظ لام و اماله و مدّ طویل می‌داند. نویسندگان بسیاری در خصوص قرائت ورش دست به قلم برده‌اند و درباره ویژگی‌های قرائت وی و تفاوت‌های آن با دیگر قرائت کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند و برخی نیز قرائت ورش را به نظم درآورده‌اند. این اهتمام خود، اهمیت ویژه ورش در نزد عالمان دانش قرائت را نشان می‌دهد. برخی از این نوشته‌ها که از آنها نشانی داریم به قرار زیر است:

۱. الأصول فی قراءة ورش اثر مقرئ و ادیب شافعی أبو الحسن، علی بن محمد أنطاکی (م ۳۷۷ هـ) (کحالة [بی‌تا]: ج ۷، ۱۸۴)؛

۲. الرسالة الى اصحاب الانطاكي في تصحيح المدلورث اثر مكى بن ابى طالب^۱ (ابن خلكان ۱۹۷۷: ج ۵، ۲۷۶)؛
۳. نگاهشته‌ای در بیان مذهب ورش در تفخیم لام و ترقیق آن از فقیه و مقرر مصری، أبو العباس، أحمد بن محمد صدفی شاطبی، معروف به ابن خضر (م ۶۷۴ ق) (کحالة [بی تا]: ج ۲، ۹۱) و بنا به گزارش زرکلی، وی دو کتاب را در قرائت ورش به رشته تحریر درآورده است (همو: ج ۱، ۲۲۰)؛
۴. بلوغ الأمانی فی قراءة ورش من طریق الأصبهانی، نگاهشته نحوی و فقیه شافعی، أحمد بن أحمد طیبی، (م ۹۷۹ ق)، (کحالة [بی تا]: ج ۱، ۱۴۶)؛
۵. منظومه‌ای در قرائت ورش، سروده فقه شافعی، محمد بن حسن معروف به منیر سمودی (متوفی ۱۱۱۹ ق) (زرکلی ۱۹۹۲: ج ۶، ۹۲)؛
۶. منظومه‌ای همراه با شرح در قرائت ورش اثر مقرر شافعی، أحمد بن محمد حَلَوَانِي (متوفی ۱۳۰۷ ق) (کحالة [بی تا]: ج ۲، ۱۳۴؛ زرکلی ۱۹۹۲: ج ۱، ۲۴۷)؛
۷. مقدمة فی قراءة ورش همراه با شرحی از خود نویسنده به نام فتح المعطی و غنیة المقری، نگاهشته محمد بن أحمد مشهور به متولی (متوفی ۱۳۱۳ ق) از دانشمندان قرائت و قاری به نام مصر. وی در اثر دیگری به نام منظومة فی القراءات، متن رساله ورش را به نظم درآورده است (سرکیس ۱۴۱۰: ۲، ۱۶۱۷؛ زرکلی ۱۹۹۲: ج ۶، ۲۱)؛
۸. المسائل التجويدية اثر شیخ عبدالکریم مراد که در بردارنده قرائت حفص و قرائت ورش و محل اختلاف بین آن دو است (سرکیس ۱۴۱۰: ج ۲، ۱۲۹۲).

۲. کیفیت قرائت ورش

ابو یعقوب ازرق اظهار می‌دارد: ورش پس از آنکه به دانش نحو احاطه پیدا کرد کیفیت و ویژه خویش را در قرائت برگزید که مقرر ورش خوانده می‌شود: «انَّ ورشاً لَمَّا تعمق فی النحو اتخذ لنفسه مقرأً یسمی مقرأ ورش». وی ادامه می‌دهد به او گفتیم: ای ابا سعید! دوست داریم که تنها قرائت نافع را برایم اقرا کنی نه آنچه را برای خود نیک تشخیص داده‌ای (ذهبی ۱۴۱۰: ج ۱۷، ۴۲۱). و نیز ابن جزری آورد که ورش

۱. مکی بن ابی طالب (م ۴۳۷ ق) مقرر و از دانشمندان تفسیر و دانش عربی بوده است. وی به سال ۳۵۵ در قیروان زاده شده و در قرطبه از دنیا رفته است. از معروف‌ترین آثار وی، مشکل اعراب القرآن است او کتبی چند از جمله بصره در علم قرائت را نوشته است (نک. زرکلی ۱۹۹۲: ج ۷، ۲۸۶).

«اختیار»^۱ی دارد که در آن با نافع همداستان نیست و همو و نیز ذهبی از یونس بن عبد الاعلی نقل کرده‌اند:

در قرائت خود کلمات را می‌کشید و تشدید می‌داد و اعراب را بیان نموده و شنونده را ملول نمی‌کرد (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳؛ ذهبی ۱۴۱۰: ج ۹، ۲۹۶؛ خوئی ۱۴۰۱: ۱۴۰). این سخنان به خوبی می‌رساند که ورش روشی مخصوص به خود داشته که گاه با قرائت استادش نافع نیز هماهنگ نبوده است.

ابن جزری، از ورش با عبارت «شیخ القراء المحققین» یاد کرده است (۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۲) و سیوطی، تحقیق را راه و روش حمزه و ورش در قرائت قرآن کریم دانسته است (۱۴۰۷: ۱، ۳۱۳). تحقیق که یکی از سه شیوه قرائت قرآن کریم است،^۲ به این معنی است که قاری، هر حرف را بدان گونه که شایسته تلاوت است، تلاوت کند. این راه با اشباع مد، تحقیق حمزه،^۳ به کمال ادا کردن حرکت‌ها و تشدیدها، آشکار بیان کردن حروف و جدا ساختن آنها از یکدیگر و رعایت وقف‌ها صورت می‌پذیرد^۴ (همان: ج ۱، ۳۱۲). و نیز اصولی به عنوان اصول قرائت ورش ذکر شده است: او قرآن را به مدّ طویل می‌خواند و حروف لین را در صورتی که پس از آن حمزه باشد، مدّ می‌داد و حرکت حمزه را به حرف صحیح ساکن ماقبلش نقل می‌داد (محیسن ۱۴۱۲: ۶۰۸).

نویسندگان این نوشتار تلاش نموده‌اند تا با استناد به قرائت‌های نقل شده از ورش در کتب قرائت و تفسیر و نیز با بررسی قرائت ورش در دو سوره نخست قرآن، به آراء او در حوزه قرائت قرآن کریم دست یابند. نتیجه بررسی به این قرار است.

۱. اختیار بدین معناست که قاری قرائتی را برگزیند و آنرا بر سایر قراءات ترجیح داده و بر آن مداومت کند تا به آن معروف و مشهور شود... و این نسبت دادن قرائت به او اضافه اختیار و دوام و لزوم است نه اضافه اختراع و رأی و اجتهاد (نقل به اختصار از ابن جزری [بی‌تا]: ج ۱، ۶۹)

۲. دو راه دیگر قرائت، حدر و تدویر است (سیوطی ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۱۳).

۳. تحقیق حمزه، ادا کردن حمزه به گونه‌ای است که شایسته آن است. (ابراهیم مصطفی ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۸۸).

۴. و هو إعطاء كل حرف حقه من إشیاع المد و تحقیق الهمزة و إتمام الحركات و اعتماد الإظهار و التشديدات و بیان الحروف و تفکیکها و إخراج بعضها من بعض بالسکت و الترتیل و التؤدة و ملاحظة الجائز من الوقوف بلا قصر و لا اختلاس و لا إسکان محرک و لا إدغامه.

۱-۲. امالة

امالة، میل دادن فتحه به سوی کسره و الف به سوی یاء است، و بر دو قسم شدید (المحضة، الضجاع، البطح) و متوسط (التقلیل، بین بین، التلطیف) است و هر دو در قرائت جائز است. ابن جزری و سیوطی از دانی نقل می‌کنند که فتح و امالة هر دو مشهورند؛ فتح لغت اهل حجاز، و امالة لغت عامه اهل نجد است. امالة بدون هیچ شکی از احرف سبعة و از لحن عرب و اصوات آنان است (ابن جزری [بی تا]: ج ۲، ۳۶، سیوطی ۱۴۰۷: ۲۸۴). جاری ساختن اماله از ویژگی‌های بارز ورش در قرائت قرآن است و همین ویژگی است که قرائت او را از دیگر قرائت‌ها متمایز می‌سازد. ورش در مواردی امالة را در حالت وقف اعمال می‌نماید، ولی غالباً چنین نیست. وی فقط در سوره بقره ۱۵۲ بار امالة را جاری ساخته و تنها در ۱۳/۸ درصد امالة را هنگام وقف جاری کرده و در ۸۶/۲ درصد این شرط رعایت نشده است.^۱ برخی از کلمات که ورش به امالة خوانده، عبارت است از: أَبْصَارِهِمْ (بقره: ۲۰)، استوی (بقره: ۲۹)، موسی (بقره: ۵۱) و السَّلْوَى (بقره: ۵۷) (مختار عمر ۱۴۱۲: ۱، ۳۶، ۴۰، ۵۶، ۵۸).

۲-۲. مذ و قصر و توسط

مذ، کشیدن حرف مدّی بیش از حدّ طبیعی آن است، به صورتی که حرف مد به خودی خود چنین زیادی را نمی‌طلبد. قصر، باقی گذاردن حرف مد بر حالت طبیعی آن است (سیوطی ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۰۲). بین قاریان برجسته در خصوص میزان مد اختلاف دیده می‌شود. کم‌ترین حد آن به اندازه ۱/۵ الف به سوسی، و بیشترین آن به حمزه و ورش نسبت داده شده است (زرکشی ۱۹۵۷: ج ۱، ۲۲۴).

بنا به گزارش زرکشی، ورش به اندازه شش حرکت^۲، حروف را مد می‌داد و بنا به گفته دانی، در میان قاریان، ورش و حمزه، در هر مدّی (اعم از متصل و منفصل)، بیش از

۱. نافع در کلمات دو سوره نخست قرآن کریم اماله را جاری نساخته و قالون تنها در کلمه بِالْهَدْيِ (بقره: ۱۶) همانند ورش به اماله خوانده است.

۲. زرکشی از «قیل» از نسبت مد به اندازه چهار حرف یا پنج حرف به ورش یاد می‌کند (زرکشی ۱۹۵۷: ج ۱، ۳۱۹) و نیز درباره میزان مذ به وسیله ورش، نک. سیوطی ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۰۵-۳۰۴.

همه حروف را مدّ می‌داده‌اند و عاصم کمتر از آنها مدّ می‌داده است؛ أطولهم مدّاً فی الضربین جمعاً، ورش و حمزة، و دونهما عاصم (دانی ۱۴۰۴: ۲۵؛ زرکشی ۱۹۵۷: ج ۱، ۲۲۴؛ ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳؛ محیسن ۱۴۱۳: ۶۰۸).

رضی استرآبادی (حدود ۶۸۶ق) مذهب ورش در مدّ به هنگام وقف کلماتی همانند «الموت» و «الحسنین» را قرائتی منحصر به او دانسته است (۱۹۷۵: ج ۱، ۴۰۳).

در دو سوره نخست قرآن کریم، قرائت ورش جمعاً در هفت مورد (در بحث مدّ) با آنچه در قرائت عاصم مشاهده می‌کنیم، تفاوت دارد. ورش کلمه شیء را در بقره: ۲۰ و ۱۰۶ به مدّ مشبع و در بقره: ۲۰ به توسط خوانده است. اِنَّتُمْ (بقره: ۱۴۰) را مدّ طویل داده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۶، ۱۰۱، ۱۲۱)؛ تَبَّرَءُ وَا (بقره: ۱۶۷) را به هر سه صورت مدّ، توسط و قصر خوانده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۳۳)؛ الْقُرْآنُ (بقره: ۱۸۵)^۱ را به قصر تلاوت کرده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۴۴)؛ و اسرائیل (بقره: ۴۷) را بدون مدّ قرائت کرده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۵۳).

۳-۲. تشدید

یونس بن عبدالاعلی، مشدد ساختن کلمات در قرائت را از ویژگی‌های قرائت استاد خود، ورش، می‌داند (ابن جزری ۱۴۰۲: ج ۱، ۵۰۳). دانی (م ۴۴۴ق) تشدید یاء در اِنَّمَا النَّسِيءُ (توبه: ۳۷)، بدون همزه را به ورش نسبت داده است (ص ۸۵). و بنا به گزارش شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)، ورش کلمات فَتَحْنَا (انعام: ۴۴)، لَفَتَحْنَا (اعراف: ۹۶)، فُتِحَتْ (انبیاء: ۹۶) و فَفَتَحْنَا (قمر: ۱۱) را به تشدید تاء تلاوت کرده است (التبیان: ۴، ۱۳۷). در مجموع آیات دو سوره نخست قرآن کریم قرائت ورش از این جهت تنها در یک مورد با قرائت عاصم تفاوت دارد و آن در وَلَا تَيَمَّمُوا (بقره: ۲۶۷) است که به تشدید تاء^۲ تلفظ کرده است^۳ (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۰۸).

۱. درباره توسط و ترک آن در واژگانی که همزه پیش از حرف مدّ قرار دارد، بنا به روایت ابویعقوب از ورش، نک دانی، ۲۶.

۲. البزی راوی ابن کثیر، تاء را در ۳۱ مورد و از جمله کلمه تیمموا مشدد کرده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۰۸).

۳. نافع کلمات تَطَهَّرُونَ (بقره: ۸۵) و تَصَدَّقُوا (بقره: ۲۸۰) را به تشدید طاء و صاد تلفظ کرده است و اَمَانِي (بقره: ۷۸) را امانی خوانده است. از قالون نظری مخالف نص مصحف در این دو سوره دیده نمی‌شود.

۲-۴. ادغام

ادغام تلفظ دو حرف به یک حرف مشدد همانند دومین حرف و بر دو نوع ادغام کبیر و ادغام صغیر است. در ادغام کبیر، حرف اول متحرک و در ادغام صغیر، حرف نخست ساکن است (سیوطی ۱۴۰۷: ۱، ۲۹۲؛ مختار عمر ۱۴۱۲: ۱، ۱۳۱).

ورش، دال را تنها در ضاد و ظاء ادغام می‌کند (دانی ۱۴۰۴: ۳۵). این موارد عبارت‌اند از: فقد ضَلَّ (بقره: ۱۰۸)، قَدْ ضَلَلْتُ (الأنعام: ۵۶)، وَلَقَدْ ضَرَبْنَا (الروم: ۵۸؛ زمر: ۲۷)^۱، فَقَدْ ظَلَمَ (بقره: ۲۳۱؛ طلاق: ۱) وَلَقَدْ ظَلَمَكَ (ص: ۲۴)^۲. ورش همچنین، تاء تانیث را در ظاء ادغام می‌کند^۳ (دانی ۱۴۰۴: ۳۶) همانند حَمَلْتُ ظُهُورَهُمَا^۴ (أنعام: ۱۴۶). در مجموع آیات دو سوره اول قرآن کریم، ورش تنها در دو مورد حروف را در هم ادغام نموده است.^۵

۲-۵. تفخیم و ترقیق

درشت و غلیظ تلفظ نمودن حرف را تفخیم و یا تغلیظ می‌نامند و نازک و رقیق تلفظ کردن حرف، ترقیق نامیده می‌شود. لفظ تفخیم را در «راء» به کار می‌برند و برای «لام» از واژه تغلیظ استفاده می‌شود (دمیاطی ۱۴۱۹: ج ۱، ۱۷۸).

در موارد بررسی شده، ورش در شش مورد به تفخیم و تغلیظ قرائت کرده است (بقره: ۳، ۵۷ (دوبار)، ۲۳۳، ۲۳۱، ۲۰۰) و در هفت مورد ترقیق رار عایت نموده است (بقره: ۲۵۹، ۲۳۵، ۲۳۳، ۲۱۷، ۲۰۰، ۱۲۵، ۶۵) و در کلماتی همانند ذِکْرًا (بقره: ۲۰۰) و فصلاً (بقره: ۲۳۳) به هر دو صورت ترقیق و ضد آن (تفخیم یا تغلیظ) قرائت نموده است. همان گونه که پیش تر گذشت، تفاوت اساسی طریق ازرق از طریق اصفهانی در ترقیق راء و تغلیظ لام است.

۱. مختار عمر ۱۴۱۲: ۱، ۱۰۳، ۲، ۲۷۴؛ ۵، ۷۸، ۶، ۱۴

۲. هوج ۱، ۷۶؛ ج ۷، ۱۶۶؛ ج ۵، ۲۶۲

۳. نویسنده مقاله روش ورش، ادغام تاء در ظاء همانند کانت ظالمة (انبیاء: ۱۱) و ذال در تاء همانند اتخذتم به ورش نسبت داده است (صحیفه مبین شماره ۸، ص ۱۷). ولی دانی خود به ادغام کانت ظالمة از سوی ورش تصریح ندارد و در معجم القراءات نیز هیچ یک به ورش نسبت داده نشده است (ج ۴، ۱۳۰؛ ج ۱، ۸۷، ۵۶؛ ج ۳، ۲۱۳؛ ج ۵، ۴۴؛ ج ۶، ۱۵۸).

۴. مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۳۱

۵. نافع در ۳ مورد قالون یک بار چنین کرده‌اند، نافع ذال را در تاء ادغام می‌نماید همانند اَتَّخَذْتُمْ (اتختم) (بقره: ۵) و قالون، باء را در میم ادغام کرده است (در وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ بقره: ۲۸۴).

۲-۶ حرکت و سکون

۲-۶-۱ یاء متکلم

دانی می‌نویسد نافع در هفت مورد که پس از یاء، الف مفردة قرار نگرفته است، یاء را مفتوح خوانده است: بیٹی^۱ (بقره: ۱۲۵؛ حج: ۲۶)، وجهی (آل عمران: ۲۰؛ انعام: ۷۹)، مماتی (انعام: ۱۶۲)، مالی (یس: ۲۲)، ولی دین (کافرون: ۶). ولی ورش چهار مورد دیگر را به آن افزوده است: ولیؤمنوا بی^۲ (بقره: ۱۸۶)، ولی فیها (طه: ۱۸)، و من معی (شعراء: ۱۱۸)، لی فاعتزلون (دخان: ۲۱). (دانی ۱۴۰۴: ۵۸). این گفته دانی به این معنی است که این دو، جز در این موارد، تمامی یاءهایی را که پس از آن الف قرار ندارد به سکون خوانده‌اند، و مشاهده می‌شود که قرائت نافع و ورش تنها در «مماتی»، «ولیؤمنوا بی» و «لی فاعتزلون» با قرائت عاصم تفاوت دارد.

جز در آنچه دانی به آن اشاره کرده است، ورش یاء متکلم در إخوتی إن (یوسف: ۱۰۰) را مفتوح خوانده است، ولی نافع در موارد زیادی چنین کرده است.^۳ نافع و هر دو راوی او مخیای (انعام: ۱۶۲) را به سکون تلفظ کرده‌اند (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۴۰). ورش، هُدایَ فَلَا (بقره: ۳۸؛ طه: ۱۲۳) را به سکون یاء و نافع در سوره بقره آن را چنین خوانده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۴۹؛ ج ۴، ۱۱۸).

۲-۶-۲ سایر حروف

وَرش، لام را در تَمَّ لِيَقْطَعُ (حج: ۱۵) و تَمَّ لِيَقْضُوا (حج: ۲۹) به کسر خوانده است (دانی ۱۴۰۴: ۱۰۶)، ولی در دو سوره نخست قرآن کریم از او قرائت کلمه‌ای مخالف نص مصحف دیده نمی‌شود، اما از مجموع آیات دو سوره حمد و بقره، نافع در ۲۹ مورد کلماتی را غیر از آنچه در مصحف است قرائت نموده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۷).

۱. نافع «بیٹی» در نوح: ۲۸ را به سکون خوانده است.

۲. در معجم القرائات ۱، ۱۴۶، به نافع نیز چنین قرائتی نسبت داده شده است.

۳. به ترتیب: مختار عمر، ج ۱، ۱۹۲؛ ج ۲، ۲۲، ۲۰۳، ۳۳۹؛ ج ۳، ۱۸۶؛ ج ۴، ۲۸۴؛ ج ۵، ۲۷۵؛ ج ۶، ۱۳۹؛ ج ۵، ۲۶۵؛

۲، ۴۰۵؛ ج ۷، ۱۳۹؛ ج ۱۱۰/۱؛ و در قرائت إخوتی إن (یوسف: ۱۰۰) (همان، ۱۹۴/۳)؛ به اخوتی... از سوی نافع

اختلاف دیده می‌شود. وی کلمه بُنَى را در تمام قرآن کریم به کسر یاء خوانده است (همان: ج ۳، ۱۱۳، ۱۴۷ و ج

۵، ۸۶، ۸۷). و معی را به سکون یاء قرائت کرده است (همان: ج ۲، ۳۸۶، ۴، ۱۳۲، ۳۱۶).

۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۸) و قالون در یک مورد چنین کرده است (همو، ج ۱، ۱۴۸).
گاهی نافع و قالون، هاء «هُو» را ساکن می‌کنند و قالون، هاء «هِی» را نیز به سکون می‌خواند و در مواردی، هاء «هِم» را مضموم تلفظ می‌نماید، همانند قرائت علیهم به علیهم یا علیهمو (همو، ج ۱، ۱۲، ۱۳، ۴۱، ۷۳، ۲۱۱، ۲۲۲).

۲-۷. تغییر حروف

ورش همانند استاد خود، نُشِرُهَا (بقره: ۲۵۹) را به راء خوانده است و گاهی نیز یاء را حذف می‌کند، همانند اسرائیل به جای اسرائیل (بقره: ۴۷) (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۸، ۵۱، ۲۰۰). ولی نافع در دو سوره نخست، جمعاً شائزده مورد مخالف مصحف قرائت کرده است (همو، ج ۱، ۵۹، ۸۴، ...). آنچه نافع به تغییر آن اقدام کرده است عبارت است از:

تغییر حروف مضارع (همو ج ۱، ۱۳۲، ۵۹، ۲۱۲)؛ تغییر ابواب فعل (همو: ج ۱، ۲۶، ۱۱۶)؛ تبدیل مفرد به جمع: (همو: ج ۱، ۱۴۲)؛ حذف همزه وصل و واو جمع (همو: ج ۱، ۷۲)؛ اضافه برخی حروف (همو: ج ۱، ۹۲، ۹۳)؛ قرائت صاد به جای سین (همو: ج ۱، ۱۹۱، ۱۸۵). در این دو مورد قالون با استاد خود هم رأی است. مشاهده می‌شود که ورش نسبت به نافع، بسیار کمتر اقدام به تغییر حروف کرده است.

۲-۸. اشباع

ورش، گاهی واژگانی از قرآن کریم را به اشباع کسره خوانده است. برخی از این موارد عبارت است از: قرائت مَالِكِ (فاتحه الكتاب: ۴) به مَلِکِ، اَرْجِهْ (اعراف: ۱۱۱)؛ شعراء: (۳۶) به اَرْجِهْ و یَتَّقِهْ (نور: ۵۲) به یَتَّقِیْ (طوسی [بی تا] ج ۴، ۴۹۵، ج ۷، ۴۵۲؛ دمیاطی ۱۴۱۹: ج ۱، ۴۰۲، ۵۷۹).^۱

۲-۹. اثبات یاء متکلم و منقوص

بعضی از قاریان کلماتی را که یاء متکلم و منقوص آنها حذف گردیده است، به اثبات یاء

۱. درباره اختلاف در قرائت هاء متصل به افعال مجزوم نک. ابن مجاهد ۱۴۰۰: ۲۱۲-۲۰۷.

قرائت می‌کنند، با این تفاوت که گاه یاء را در دو حالت وقف و وصل اثبات می‌کنند و گاهی در حالت وصل چنین عمل می‌کنند.

برای نمونه نافع، الداع و دَعَانِ (بقره: ۱۸۶) را در وقف و وصل به اثبات یاء خوانده است، ولی ورش و قالون در حالت وصل به اثبات یاء قرائت کرده‌اند. اگرچه قالون در «الداع» با استاد خویش نیز هم رأی است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۴۵، ۱۴۶)، در آیات ۶ و ۸ سوره قمر، ورش، نافع و قالون، یاء در «الداع» را در حالت وصل اثبات کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۹، ۳۰۸؛ ج ۷، ۳۲-۳۰) و در الرحمن: ۴۲ و التکویر: ۱۶ هر سه «الجوار» را بدون یاء قرائت کرده‌اند (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۷، ۴۹؛ ج ۸، ۸۵). ورش، به هنگام وصل «فَاعْتَرِلُونِ» (دخان: ۲۱) را به اثبات یاء خوانده است (همو: ج ۶، ۱۳۹)، اما در برخی کلمات نظیر «اطیعون»، «آل عمران: ۵۰»، «فارسلون»، (یوسف: ۴۵)، «فارهون» (نحل: ۵۱) هیچ کدام از آنها یاء را اثبات نکرده‌اند (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۶؛ ج ۳، ۱۷۳، ۲۸۳). چنین به نظر می‌رسد که در این خصوص این قاریان از قانون واحدی در اثبات یا عدم اثبات یاء متکلم و منقوص پیروی نکرده‌اند.

۲-۱۰. تخفیف

دگرگونی‌هایی که از سوی قراء در کلمات مهموز صورت می‌گیرد فراوان بوده و این کلمات به صورت‌های گوناگون قرائت شده است. تخفیف، تلین و یا تسهیل عناوینی هستند که همگی دلالت بر تخفیف همزه دارد. نقل، ابدال، تسهیل و اسقاط همزه، چهار نوع از تخفیف به شمار می‌روند (زرکشی ۱۹۷۵: ج ۱، ۲۲۵-۲۲۴).

۲-۱۰-۱ نقل

القاء حرکت همزه به ساکن ماقبلش را نقل می‌نامند. نقل، مذهب ورش است. وی ساکن را به حرکت همزه‌ای که پس از آن قرار گرفته متحرک می‌نمود و همزه را از لفظ ساقط می‌کرد. نقل، وقتی رخ می‌دهد که ساکن، غیرحرف مدّ و لین باشد و آخر کلمه قرار گیرد و همزه در ابتدای کلمه بعد واقع شود، همانند کُفُوًّا أَحَدٌ. نقل را روایت ورش از نافع در هر دو صورت وصل و وقف دانسته است (همو، ج ۱، ۲۲۵؛ مختار عمر ۱۴۱۲:

ج ۱، ۱۳۳). برخی از مواردی که ورش به این روش عمل نموده، عبارت است از: بِالْأَخْرَةِ (بقره: ۴)، خَلَّوْا إِلَى (بقره: ۱۴)، قَالُوا لَنْ نَبْقَرَ (بقره: ۷۱)، قَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ (بقره: ۱۸۷)، عَنِ الْأَهْلِ (بقره: ۱۸۹).

۲-۱۰-۲ ابدال

تبدیل همزه به حرف مدّی از جنس حرکتِ حرف قبل از آن، از دیگر راه‌های تخفیف به‌شمار می‌رود. در این هنگام همزه به الف، واو و یاء تبدیل می‌گردد. روایت ورش از نافع در فاء الفعل کلمات بنابراین روش است (زرکشی ۱۹۵۷: ج ۱، ۲۲۵). او همچنین در سه واژه بئر، بئس و الذئب، عین الفعل را به یاء تبدیل کرده است (شاطبی ۱۴۰۷: ج ۱: ۴۰).

الف) ابدال همزه به الف

ورش در مواردی همزه را به الف تبدیل کرده است، همانند أَنْذَرْتَهُمْ (بقره: ۶)، أَنْتُمْ (بقره: ۱۴۰)^۱ و يَأْتُوكُمْ (بقره: ۸۵) به یاتوکمو (به ابدال همزه و ضم و مدّ میم)، يَأْمُرُكُمْ (بقره: ۹۳) به یامرکم و وَأَتُوا (بقره: ۱۸۹) به اوتوا (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۱، ۱۲۱، ۸۲، ۸۸، ۱۴۹).

ب) ابدال همزه به واو

نافع و هر دو راوی او در کلماتی، همزه را به واو تبدیل کرده‌اند. چند نمونه از کلماتی که ورش آنها را تبدیل کرده عبارت است از: تَوْمَرُونَ (بقره: ۶۸) به تومرون، يُوَاخِذُكُمْ (بقره: ۲۲۵) به یواخذکم، يُولُونَ (بقره: ۲۲۶) به یولون، الشَّهَادَةُ إِذَا (بقره: ۲۸۲) به ابدال همزه اذا به واو خالص مکسور، فَلْيُودِّ (بقره: ۲۸۳) به ابدال همزه به واو مفتوح، لَا تُؤَاخِذْنَا (بقره: ۲۸۶) به ابدال همزه، واو مفتوح و تبدیل آن به الف (مختار عمر، ۱، ۶۹، ۱۷۲، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۳۲). وی همچنین همزه رؤیا را در همه جای قرآن کریم به واو ساکن تبدیل کرده است (دمیاطی ۱۴۱۹: ج ۱، ۱۰۲؛ طوسی، ۶، ۹۶).

ج) ابدال همزه به یاء

ورش در سه مورد بئر، بئس و ذئب، همزه عین الفعل را به یاء تبدیل کرده است (شاطبی ۱۴۰۷: ج ۱، ۴۰). ابدال در واژه ذئب را می‌توان در گزارش شیخ طوسی (م)

۱. از ورش قرائت دیگری در «ءانتم» و «ءانذرتهم» آمده است. (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۱، ۱۲۱).

۴۶۰ ق)، ابن جزری (م ۸۳۳ ق) و دمیاطی (م ۱۱۱۷ ق) از قرائت ورش یافت (طوسی، ۶، ۱۰۷؛ النشر ابن جزری، ۱۴۰۲، ۴۴۶؛ دمیاطی ۱۴۱۲: ۱، ۱۰۵، ۴۶۷). وی همچنین همزهٔ دوم هُوَ لَا إِنْ (بقره: ۳۱) را به یا تبدیل کرده است.^۱

۲-۱۰-۳ تسهیل

تسهیل نوعی از تخفیف همزه به صورت ادای بین‌بین آن است، به این معنی که قاری، کلمه را بین قرائت همزه و قرائت حرفی می‌خواند که از جنس حرکت همزهٔ دیگر است. (زرکشی ۱۹۵۷: ج ۱، ۲۲۵؛ ابراهیم مصطفی و دیگران ۱۴۱۱: ج ۱، ۴۵۸).

۱. اگر هر دو همزه، مفتوح باشند، همانند اَنتُم، حرمیان (ابن کنیر و نافع)، ابو عمرو و هشام، همزهٔ دوم را به تسهیل می‌خوانند و ورش همزهٔ دوم را به الف تبدیل می‌کند و قالون، الفی را قبل از همزهٔ دوم وارد می‌کند.

۲. در صورتی که یکی مفتوح و دیگری مکسور باشد، همانند اَذاکنا، حرمیان و ابو عمرو دومی را تسهیل می‌کنند و قالون و ابو عمرو قبل از همزه دوم الف می‌آورد و بقیه به تحقیق می‌خوانند.

۳. اگر یکی مفتوح و دیگری مضموم باشد، حرمیان و ابو عمرو دومی را تسهیل می‌کنند، قالون الف را بین آنها وارد می‌کند و بقیه، هر دو همزه را به تحقیق می‌خوانند (سیوطی ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۰۹؛ مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۳۳ به نقل از دانی).

اینک به برخی از قرائات نافع و ورش و قالون در این زمینه اشاره می‌شود.

الف) مفتوح بودن هر دو همزه

— أُنذِرُ تَهُم (بقره: ۶). هر سه آن را به تسهیل همزهٔ دوم و وارد کردن الف میان دو همزه قرائت کرده‌اند: آنذر تهم. اگرچه از ورش دو قرائت دیگر نیز رسیده است:

۱. تسهیل همزهٔ دوم بدون وارد ساختن الف؛ ۲. ابدال همزهٔ دوم به الف^۲ (مختار عمر، ۱، ۲۱).

۱. برخی دیگر از مواردی که ورش آنها را تبدیل کرده است عبارت‌اند از: بش و بشما (بقره: ۹۳، ۹۰) و لثلا (بقره: ۱۵۰).

۲. زمخشری، بدون نام بردن از ورش، این قرائت را لحن و خارج از کلام عرب می‌داند (۱۴۲۶: ۴۱)، اما ابوحیان قرائت ورش را صحیح می‌داند (ج ۱، ۱۷۵).

- أأنتم (بقره: ۱۴۰). دو قرائت از ورش دربارهٔ أأنتم رسیده است: ۱. تسهیل همزهٔ دوم بدون وارد ساختن الف؛ ۲. ابدال همزهٔ دوم به واو و مد طویل همراه با سکون نون. قانون به تسهیل و وارد ساختن الف قرائت کرده است (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۴۵).

- جَاءَ أَجْلُهُمْ (أعراف: ۳۴). ورش به دو گونه قرائت کرده است: ۱. تسهیل همزهٔ دوم؛ ۲. ابدال همزهٔ دوم به الف خالص. قانون همزهٔ اول را انداخته است (همو: ج ۲، ۳۵۴).

از بررسی این نمونه‌ها چنین برمی‌آید که این قاریان در تسهیل همزهٔ دوم رغبت بهتری نشان می‌داده‌اند.

ب) مفتوح بودن یک همزه و مکسور بودن دیگری

- أَالَّةُ (نمل: ۶۰). ورش به تخفیف^۱ همزهٔ دوم خوانده است و بین دو همزه الف را وارد نکرده است. نافع و قانون همزهٔ دوم را تلیین نموده‌اند، ولی الف را میان دو همزه وارد کرده‌اند (همو: ج ۴، ۳۶۲).

- أَادَّا (رعد: ۵). ورش به تسهیل و قصر قرائت کرده است و نافع و قانون با رعایت تسهیل به مد خوانده‌اند (همو: ج ۳، ۲۰۷، ۲۰۸).

ج) مفتوح بودن یک همزه و مضموم بودن دیگری

- أَوُنَّبِئُكُمْ (آل عمران: ۱۵). نافع و ورش همزهٔ دوم را تسهیل کرده‌اند. نافع در قرائتی دیگر أَوُنَّبِئُكُمْ خوانده است و ورش در یک قرائت قُلْ أُنَبِّئُكُمْ^۲ خوانده است. قانون به دو صورت أَوُنَّبِئُكُمْ و أَوُنَّبِئُكُمْ قرائت نموده است (همو: ج ۲، ۱۲).

- جَاءَ أُمَّةٌ رَّسُولُهَا (مؤمنون: ۴۴). نافع، همزهٔ دوم را همانند واو تسهیل کرده است و از ورش و قانون در این آیه قرائتی خاص نرسیده است (همو: ج ۴، ۲۱۳).

- أُنزِلَ (ص: ۸). نافع، ورش و قانون همزهٔ دوم را همانند واو تسهیل کرده‌اند و الف را میان دو همزه نیاورده‌اند، اگرچه نافع و قانون در قرائتی دیگر همراه با تسهیل همزهٔ دوم، الف را بین آنها آورده‌اند (مختار عمر ۱۴۱۲: ج ۵، ۲۵۶).

۱. تخفیف نزد قراء و صرفیون عبارت از سبک ادا کردن همزه است که گاهی به اسقاط همزه و زمانی به تبدیل آن به حرف مد و یاء و واو و گاه با ادا کردن بین بین آن صورت می‌گیرد (ابراهیم مصطفی و دیگران ۱۴۱۱: ج ۱، ۲۴۷).

۲. به نقل حرکت همزه اول به لام و حذف همزه

- أَلْتَقَى (قمر: ۲۵). نافع و ورش، همزه دوم را تسهیل کرده‌اند و الف را میان دو همزه نیاورده‌اند، در صورتی که قالون به تسهیل همزه دوم و وارد ساختن الف قرائت کرده است (همو: ج ۷، ۳۶).

د) مکسور بودن هر دو همزه

- هَوَلَاءِ إِنَّ (بقره: ۳۱). ورش، آن را به دو نمونه خوانده است:

۱. تحقیق^۱ همزه اول و تسهیل همزه دوم بین بین؛
۲. تحقیق همزه اول و ابدال همزه دوم به یاء. از قالون نیز دو قرائت رسیده است: ا: تحقیق همزه اول و حذف همزه دوم؛
۲. تسهیل همزه اول و تحقیق دوم. نافع، به سکون همزه اول و تحقیق همزه دوم قرائت کرده است (همو: ج ۱، ۴۴-۴۳).

- بِالسُّوءِ إِلَّا (یوسف: ۵۳). ورش همزه دوم را به حرف مد تبدیل کرده و با اشباع مد خوانده است. از قالون دو قرائت رسیده است:

۱. تسهیل همزه اول، همانند یاء مکسور با مد و قصر؛
۲. ابدال همزه اول به واو مکسور و ادغام دو واو (همو: ج ۳، ۱۷۷-۱۷۶).

ه) مضموم بودن یک همزه و مکسور بودن دیگری

- الشُّهَدَاءُ إِذَا (بقره: ۲۸۲). ورش اذا را به واو خالص مکسور تبدیل کرده و قالون همزه اذا را مثل یاء، تسهیل نموده است (مختار عمر، ج ۱، ۲۲۴).

- يَشَاءُ أَلِي (بقره: ۱۴۲). از نافع دو قرائت نقل شده است (همو: ج ۱، ۱۶۴، ۱۲۲). ولی از ورش و قالون در این مورد قرائتی خاص نرسیده است.

و) مکسور بودن همزه اول و مفتوح بودن دیگری

- مِنْ الْمَاءِ أَوْ (أعراف: ۵۰). نافع به الماء یو قرائت نموده است (همو: ج ۲، ۳۶۶).

۱. تحقیق عبارت از ادا کردن همزه به طور شایسته است (ابراهیم مصطفی ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۸۸).

نتیجه

قرائت ورش، ابو سعید عثمان بن سعید مصری، مورد توجه دانشمندان علم قرائت گرفته است، چرا که در برگزیده اصول و قواعدی است که بیانگر حسن بیان و ذوق سلیم و تبحر علمی او است. جرئت قابل تحسین ورش در داشتن قرائتی مستدل، در عین برگزیدن قرائتی که گاه با قرائت استادش نافع، هماهنگ نیست، از «ورش» شخصیتی تا سر حد «حجت» در علم قرائت، ساخته است. دقت در قرائت ورش بیانگر این است که تفاوت قرائت وی با قرائت رایج دنیای اسلام، قرائت عاصم، بیشتر به مباحث تجویدی و نحوه خواندن آیه‌های قرآن باز می‌گردد و به دخالتی آشکار در تغییر معنوی و یا حتی لفظی واژگان قرآن کریم منتهی نمی‌شود. ﴿وَ آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

منابع و مأخذ

- ابن جزری، محمد بن محمد (۱۴۰۲)، غایة النهایه فی طبقات القراء، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- — [بی‌تا]، النشر فی القراءات العشر، به تصحیح علی محمد ضیاع، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۷۷)، وفيات الاعیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابراهیم مصطفی و دیگران (۱۴۱۱)، المعجم الوسیط، استانبول، دارالدعوة.
- ابن مجاهد، احمد بن موسی (۱۴۰۰)، کتاب السبعة فی القراءات، تحقیق: شوقی ضیف، القاهرة، دار المعارف.
- أبو حیان الأندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۲)، تفسیر البحر المحیط، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۱)، بیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الزهراء (س).
- دانی، عثمان بن سعید (۱۴۰۴)، التیسیر فی القراءات السبع، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ دوم.
- دمیاطی، احمد بن محمد (۱۴۱۹)، إتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر، تحقیق: أنس مهرة، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵)، لغت نامه، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۰)، سیر أعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- — (۱۴۰۷)، تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الأعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری،

- بیروت، دار الكتاب العربی، چاپ اول.
- — (۱۴۰۴)، معرفة القراء الكبار على الطبقات و الأعصار، تحقيق: بشار عواد معروف، شعيب الأرنؤوط و صالح مهدي عباس، بيروت، مؤسسة الرسالة، چاپ اول.
- رضی أستراباذی، محمد بن حسن (۱۹۷۵)، شرح الرضى على الكافية، تهران، مؤسسة الصادق.
- زركشى، محمد بن بهادر (۱۹۵۷)، البرهان في علوم القرآن، [بی جا]، دار إحياء الكتب العربية.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۹۲)، الاعلام، بیروت، دار العلم للملایین.
- زنجانی، ابو عبدالله [بی تا]، تاریخ قرآن، تهران، كانون خدمات فرهنگى الست.
- زمخشری، محمود (۱۴۲۶)، تفسير الكشاف، بیروت، دار المعرفة.
- سرکيس، الیان (۱۴۱۰)، معجم المطبوعات العربية، قم، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۰۸)، الانساب، بیروت، دارالجنان.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۰۷)، الاتقان في علوم القرآن، دمشق، دار ابن کثیر.
- شاطبی، القاسم بن فیرة (۱۴۰۷)، حرز الأمانی و وجه الشهانى فى القراءات السبع، بیروت، دارالكتاب النفیس، چاپ اول.
- طبرسى، فضل بن حسین (۱۴۱۵)، مجمع البیان في تفسير القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان في تفسير القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- کحالة، عمر [بی تا]، معجم المؤلفین، بیروت مکتبة المثنی و دار إحياء التراث العربی.
- مختار عمر، احمد و عبدالعال سالم مکرم (۱۴۱۲)، معجم القراءات القرآنية، تهران، اسوه.
- معرفة، محمد هادی (۱۳۶۶)، التمهيد في علوم القرآن، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- معلوف، لويس (۱۹۶۸)، المنجد، بیروت، دارالمشرق.
- محیسن، محمد سالم (۱۴۱۲)، معجم حفاظ القرآن عبر التاريخ، بیروت، دارالجيل.
- مجمع الكنائس الشرقية (۱۹۸۱)، قاموس الكتاب المقدس، بیروت، مکتبة المشغل.
- همائی، عباس (۱۳۷۶-۱۳۷۵)، «روش ورش»، مجله صحیفه مبین، شماره های ۸، ۹، ۱۰.
- یاقوت حموی (۱۳۹۹)، معجم البلدان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.